

رابطه انسجامی جایگزینی در فارسی

زهرة به جو

عضو هیئت علمی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

چکیده

در شناسایی عوامل انسجام در زبان فارسی، بحث حاضر درباره یکی از رابطه‌های انسجامی، یعنی جایگزینی و گونه‌های آن است. این رابطه مبین فرایند وقوع یک عنصر به جای عنصری دیگر، در سطح واژگی - دستوری است. تداومی که جایگزینی در متن ایجاد می‌کند بر پایه همانندی نقش دستوری عناصر زبانی است و به سه صورت انجام می‌شود: جایگزینی اسمی، جایگزینی فعلی، و جایگزینی بندی.

جایگزینی رابطه‌ای در سطح واژگی - دستوری است و به وقوع یک عنصر به جای عنصری دیگر دلالت دارد. (۱) در جایگزینی، به خلاف ارجاع، عنصر جایگزین شده نوعی صورت متفاوت یا مخالف، ولی دارای همان نقش ساختاری عنصر اول است. از این رو، تداومی که جایگزینی در متن ایجاد می‌کند به لحاظ معنا (بر پایه همانندی مرجعی) نیست؛ بلکه به لحاظ صورت (بر پایه همانندی صوری) است. به عبارت دیگر، رابطه عناصر پیش‌انگاری در جایگزینی مبتنی بر هم‌مرجعی نیست؛ بلکه اساس یکسان‌بودن نقش دستوری این صورت‌های زبانی است که به عوض تکرار یک واحد خاص به کار می‌روند. (۲) جایگزینی اغلب انسجامی و گاه

غیر انسجمی (دستوری) است (هلیدی و حسن ۱۹۷۶: ۳۰۸-۳۰۶).

الف - جایگزینی غیر انسجمی

رابطه‌ای دستوری، براساس همانندی ساختاری است که در آن، حرف ربط «و» به کار برده می‌شود.

مثال (۱):

یک عکس شبیه می‌شود و یکی نمی‌شود.

در نمونه بالا، یکی جایگزین یک عکس شده است.

ب - جایگزینی انسجمی

رابطه‌ای غیر ساختاری، براساس ناهمانندی مرجعی (بین عنصر پیش‌انگاشته و عنصر پیش‌انگارنده) است. این رابطه درون‌متنی اغلب در سه بافت اصلی: بند، گروه اسمی و گروه فعلی روی می‌دهد.

مثال (۲):

الف: این فنجان را می‌خواهی؟

ب: بزرگه را می‌خواهم.

در مثال بالا، کاربرد نشانه معرفه «-ه» یا /e/ امکان حذف هسته گروه اسمی، یعنی فنجان را فراهم آورده است و در واقع، شاید بتوان گفت که خودش جایگزین آن شده است.

جایگزینی به لحاظ نقش دستوری بر سه گونه است: جایگزینی اسمی^۱، جایگزینی فعلی^۲ و جایگزینی بندی^۳. ذکر این نکته ضروری است که در محدوده این بررسی، جایگزینی در فارسی به شکل وصلی مرکب همراه با ارجاع یا حذف و یا انسجام واژگانی مشاهده شده است.

1. nominal

2. verbal

3. clausal

۱. جایگزینی اسمی

عنصر جایگزینی در جایگاه هسته گروه اسمی، وابسته اسمی یا وصفی^۱ قرار می‌گیرد (مانند one(s) در انگلیسی که همواره با یک توصیف کننده^۲ جدید همراه است و به لحاظ عدد نیز با پیش‌انگاشته تفاوت دارد).

مثال (۳):

تبر من خیلی کند است. یک دانه تبر بدهید. (= یک دانه [تبر] تیز: حذف اسمی)؛
هسته

الف) جایگزینی در بندهای کنشی^۳:

مثال (۴):

الف: برادرم فکر می‌کند آن کار عملی نیست. (آن کار عملی نیست: وابسته)
ب: بله، من هم همین‌طور فکر می‌کنم. (همین‌طور = آن کار عملی نیست: ارجاع اشاره‌ای مرکب)

مثال (۵):

الف: زمستان همیشه این قدر سرد است؟
ب: تابستان هم اغلب همین‌طور است. (همین‌طور = سرد: ارجاع اشاره‌ای مرکب)
در مثال‌های بالا، وقوع همین‌طور بیانگر فرایند جایگزینی یک صورت اسمی است. این گونه جایگزینی مخصوص بندهای کنشی است.
ب) جایگزینی در بندهای رویدادی^۴: در بندهای رویدادی، واحدهایی مانند «همان اتفاق/چیز» جایگزین اسمی می‌شود:

مثال (۶):

الف: من در راهروها گم شدم.
ب: برای من هم همین اتفاق افتاد. (همین اتفاق: ارجاع اشاره‌ای مرکب)؛
(اتفاق: واحد واژگانی شامل)
پ) جایگزینی در بندهای اطلاق^۵: به جای اسم یا صفت، به عنوان هسته گروه اسمی، ممکن است از صورت‌هایی با مفهوم «یکسانی» استفاده شود:

1. modifying

2. attribute

3. action-type clauses

4. happening-type clauses

5. ascription

مثال (۷):

دوستم حالا یک هنرمند است. اگر نصف امکانات او را داشتم من هم (مثل او) می شدم.

(/ حذف)؛

(مثل او: ارجاع مقایسه‌ای)

مثال (۸):

الف: این میوه‌ها رسیده‌اند؟

ب ۱: این طور به نظر می‌رسد.

ب ۲: تقریباً.

ب ۳: ظاهراً رسیده‌اند.

(این طور: ارجاع اشاره‌ای مرکب)

(حذف کامل بند)

(حذف بخشی از بند)

۲. جایگزینی فعلی

عنصر جایگزینی، به عنوان هسته گروه فعلی، در جایگاه فعل واژگانی^۱ (یا یک فعل + عناصر دیگر بند) قرار می‌گیرد و به عنوان واحد انسجامی، همواره ارجاع پیش‌مرجع دارد (در انگلیسی فعل do این نقش را ایفا می‌کند، ولی در فارسی معمولاً از یک ساخت محذوف استفاده می‌شود).

مثال (۹):

الف: او را شناختی؟

ب: نه، چه طور مگر؟ (حذف تمام بند به جز عنصر نفی)

مثال (۱۰):

الف: او هیچ وقت به خواسته‌هایش نرسید.

ب: احتمالاً، چون ذاتاً ناراضی است. (حذف تمام بند، قید، ادات)

مثال (۱۱):

الف: مهمان‌هایت رفتند؟

ب: بزرگ‌ترها رفتند / رفتند اما چه رفتنی. / امروز می‌روند / خدا نکند / (بله/خیر).

ارجاع مقایسه‌ای حذف تمام بند حذف تمام بند به جز حذف تمام بند

به جز گروه فعلی قید و گروه فعلی به جز عبارت دعایی به جز کلمه پاسخ

هرگاه کانون خبر^۲ در هسته گروه فعلی واقع شود و هیچ عنصر مغایری هم وجود

نداشته باشد، از صورت‌های مختلفی - بیش تر حذف - استفاده می‌شود:

مثال (۱۲):

الف: چرا می خندید؟

ب: همین طوری / بی خودی / از لجم. (حذف گروه فعلی)

۳. جایگزینی بندی

در این نوع جایگزینی، یک بند کامل، شامل فاعل یا نهاد، پیش‌انگاشته می‌شود و عنصر مغایر آن در بیرون از بند قرار می‌گیرد. عنصر جایگزین معمولاً «(نه) خیر / نخیر» یا «این طور» است.

مثال (۱۳):

الف: آنجا قرار است زلزله بیاید؟

ب: این طور می‌گویند. (ارجاع اشاره‌ای مرکب)

جایگزینی بندی در سه محیط روی می‌دهد: گزارش^۱، شرط^۲، وجه^۳.

الف) جایگزینی در بندهای گزارشی: گزارش با نحوه بیان (گفتار مستقیم یا

غیرمستقیم) و در نتیجه با اندیشه و بیان ارتباط دارد و نباید با «واقعیت» که به «معنا» مربوط می‌شود، اشتباه گرفته شود.

مثال (۱۴):

گزارش: - مادر گفت که برادر دیر کرده است. (بیان گزارش غیرمستقیم)

(بیان) واقعیت: - پدر از اینکه برادر دیر کرده است، عصبانی شد.

در جایگزینی بندی، کاربرد عنصر نفی «نه/خیر» به‌طور قطع جنبه انسجامی دارد.

مثال (۱۵):

الف: همه به خانه رفته‌اند؟

ب: امیدوارم (که) نه. (حذف تمام بند به‌جز عنصر نفی)

گاه کلمه نفی «نه/خیر» به بند گزارشی تبدیل می‌شود:

مثال (۱۶):

الف: همه به خانه رفته‌اند؟

ب: فکر نکنم / اگمان نکنم / تصور نمی‌کنم. (حذف بند وابسته)

در گزارش‌های غیرشخصی به صورت زیر است:

مثال (۱۷):

الف: باید اسم پرنندگان را اعلام کنیم؟

ب: نگفته‌اند. / لازم نیست. (حذف بند وابسته)

پ) جایگزینی در بندهای شرطی: اغلب با کاربرد (در این صورت/نه) انجام

می‌شود، مگر آنکه بعد از بند «اگر» بیاید.

مثال (۱۸):

الف: گویا همه او را برنده می‌دانند.

ب: در این صورت، حتماً پیروز خواهد شد. (ارجاع اشاره‌ای)

مثال (۱۹):

الف: ما باید وقتی به آنجا رسیدیم، اول جایمان را پیدا کنیم.

ب: بله، ولی اگر نشد، آن وقت چه کار کنیم؟ (حذف تمام بند به جز پاسخ مثبت)

پ) جایگزینی در بندهای وجهی: وجه یا به کمک فعل‌های وجهی - مانند

خواستن، توانستن و ممکن بودن - ساخته می‌شود و یا به کمک قیدهای وجهی،

مانند شاید، احتمالاً، یقیناً، به هیچ وجه، اصلاً.

قیدهای وجهی معمولاً قبل یا بعد از یک جایگزینی بندی در بیان نفی می‌آیند

(در واقع، حذف تمام بند به جز عنصر نفی هستند).

مثال (۲۰):

الف: اگر جای من بودی، گربه‌ها را دوست می‌داشتی؟

ب: خوب، شاید نه.

مثال (۲۱):

الف: یک برش کیک به شما بدهم؟

ب: نه، اصلاً. (حذف تمام بند به جز عنصر نفی)

الگوهای دیگر جایگزینی (۳):

مثال (۲۲):

می‌خواهد روی تخم می‌خوابند.

بوقلمون‌ها هم این کار را می‌کنند / می‌خوانند / همین‌طور.
ارجاع اشاره‌ای حذف مفعول ارجاع اشاره‌ای
غیرصریح

مثال (۲۳):

مرغ‌ها پرواز نمی‌کنند. بوقلمون‌ها هم این کار را می‌کنند / نمی‌کنند / همین‌طور.
توجه: در مثال‌های بالا، الگوی «می‌خوانند» و «نمی‌کنند» ساخت محذوف
است و الگوی «همین‌طور» ارجاعی (یا احتمالاً غیرانسجامی).

مثال (۲۴):

الف: این فریادهای کمک زیادی نمی‌تواند بکند.
ب: همین‌طور است؛ فقط کارها را خراب‌تر می‌کند. (ارجاع اشاره‌ای)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول کدبندی ابزارهای انسجام در زبان فارسی *

کد					نوع انسجام
ج					جایگزینی
	۱				الف) اسمی
		۱۱			۱. هسته: یک، یکی، یکی‌ها
		۱۲			۲. وابسته: همان، همین
		۱۳			۳. صفت: چنین، مثل، این‌طور
	۲				ب) فعلی
		۲۱			۱. فعل: بودن، داشتن، کردن
		۲۲			۲. فرایند: (او هم) همین‌طور
		۲۳			۳. عبارت: چنان‌کرد، چنین‌بود
		۲۴			۴. ارجاع فعلی: آن‌کرد، آن‌بود

کد				نوع انسجام
	۳			(پ) بندی
		۳۱		۱. مثبت: (بله) خوب، باشد، این طور است
		۳۲		۲. منفی: (که) نه، خیر
				پ (۲-۱) با نقش:
			۶	(ا) گزارشی: فکر نکنم، نگفته‌اند، لازم نیست
			۷	(ب) شرطی: نه، در این صورت (= در صورتی که مقصر باشد) بله، ولی اگر نشد (= که او را پیدا کنم)
			۸	(پ) وجهی: فعل وجهی (خواستن، توانستن، ممکن بودن) قید وجهی (شاید نه، نه اصلاً، حتماً، به هیچ وجه)
			۹	(ت) موارد دیگر:

پی‌نوشت‌ها

۱. نورمحمدی (۱۹۸۸) در مطالعه‌ای که انجام داده، چنین نتیجه گرفته است که «در واقع فارسی فاقد جایگزینی است.» و فضل‌علی (۱۳۷۳: ۵۸-۵۷) ضمن بیان اینکه «فارسی فاقد جایگزینی است»، اظهار می‌دارد که «هرگاه بعد از 'یک' اسم نیاید، جایگزینی است.» و نمونه زیر را مثال می‌آورد که در واقع، حذف یا حتی ارجاع است.

مثال:

– معلم کلاس چهارم نمایان شد. تحمل این یکی را نداشتیم.

(= تحمل این یکی معلم را نداشتیم)

هز دو پژوهشگر بر این عقیده‌اند که آنچه صورت می‌گیرد، در اصل فرایند حذف است.

۲. در انگلیسی، ضمیر one به جای اسم به کار می‌رود؛ ولی در فارسی، جایگزینی وضعیتی دیگر دارد و تبیین دقیق آن مستلزم بررسی گسترده‌تر است.

۳. جایگزینی رابطه‌ای است که چون به‌طور کلی با حذف یا ارجاع و یا انسجام واژگانی همراه است، تشخیص و تمیز آن به‌سادگی میسر نیست و در مورد آن مطالعه گسترده‌تری باید صورت گیرد. به رغم اینکه بعضی پژوهشگران عقیده دارند جایگزینی در رابطه‌های انسجامی زبان فارسی جایی ندارد، شاید با دقت بیشتر بتوان در بین ابزارهایی که وضعیت مشکوکی دارند، مواردی را به جایگزینی اطلاق کرد. برخی از این موارد عبارت‌اند از:

۱. نشانه معرفه در ارجاع.

۲. ضمیر مشترک «خود» (خویش / خویشتن / خودش) که به‌عنوان ضمیر پیوسته «کـش» جزو ابزارهای ارجاع محسوب می‌شود.

۳. نشانه‌های نقطه‌گذاری، که هرچند واحدهایی معنی‌دار هستند، چون واحد واژگانی نیستند، جزو ابزارهای انسجام منظور نشده‌اند.

کتابنامه

به‌جو، زهره. ۱۳۷۹. «طرح کدبندی ابزارهای انسجام در زبان فارسی»، فرهنگ: ویژه ادبیات، س ۱۱، ش ۲۰۱، پیاپی ۲۶ - ۲۵. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. صص ۲۱۲ - ۱۸۹.

فضل‌علی، فاطمه. ۱۳۷۳. «بررسی حذف در زبان فارسی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.

Halliday, M. A. K. and Ruqaiya Hasan. 1979. *Cohesion in English*. London: Longman.

Nour Mohammadi, Esmaeel. 1988. «A Contrastive Analysis of Cohesion in English and Persian», M. A. Thesis in General Linguistics. Shiraz: Shiraz University.